



| به خدا اعتماد داریم؟ |

« نسلی بدون خواهر و برادر

اگر امروزه از پدران و مادران پرسیده شود چرا یک فرزند؟ بدون شک اغلب آنان دو پاسخ مشترک دارند: یکی به خاطر وضعیت مالی و دوم دغدغه تربیتی. البته پاسخ‌های دیگری نیز وجود دارد که نقش پررنگی در این زمینه ندارند. علاوه بر بعضی‌ها جوابی ندارند و بیشتر وضعیت موجود زندگی خود را ملاک بچه‌دار شدن قرار می‌دهند که باید در موضوع سبک زندگی اسلامی مورد بررسی قرار گیرد.

فرزندان خود را فراهم کنند. لذا شروع می‌کنند به مال‌اندوزی. درحالی‌که بهترین لحظات عمر خود را در راه جمع‌آوری مال سپری کرده و چون قدرت تأمین همه این امکانات برای فرزندان زیاد را ندارند، به همان یک یا دو فرزند بسنده می‌کنند و حتی فرصتی برای فکر کردن به بچه دیگر پیدا نمی‌کنند. دریغ از اینکه از نظر دین اسلام پدر و مادر هیچ وظیفه‌ی شرعی نسبت به تأمین مالی آینده فرزندان خود ندارند و در واقع به تعبیر یکی از بزرگان، نقشی را که پدر و مادر ایفا می‌کنند، گاو صندوق نسل آینده‌شان است.

این مسئله حتی از نظر تربیتی نیز مورد تأیید نیست و بزرگترین ضربه‌ی اجتماعی را به فرزندان وارد می‌کند. به این دلیل اگر این شیوه تا چند نسل ادامه پیدا کند، آنان را افراد تنبل و بی‌فکر بار می‌آورد که برای جبران مشکلات مالی خود، دغدغه‌ای ندارند و این به هیچ‌وجه مطلوب نیست و باعث ازبین‌رفتن تمدن آن جامعه می‌شود.

امام حسن (ع): آماده سفر آخرت شو و قبل از فرا رسیدن مرگ، زاد و توشه خود را فراهم کن و بدان که تو در حالی دنیا را می‌طلبی که مرگ، تو را می‌طلبد و امروز غم و اندوه فردا را نداشته باش و بدان که هر چه از مال دنیا بیشتر از غذا و خوراک خود به دست آوردی، در حقیقت آن را برای دیگران ذخیره کرده‌ای.

نظام تربیتی اسلامی در خانواده بخش عمده‌ای از مشکلات مالی جامعه را برطرف خواهد کرد. صفت قناعت، انفاق، تقدم همسایه، دوری از اسراف و... بزرگترین صنعت و مهندسی جامع برای مدیریت مالی و دوری از فقر در خانواده و جامعه است.

پدر و مادر یا گاو صندوق؟!

انسان‌ها نسبت به روزی‌رساندن خدا

بدگمانند؛ بدگمانی که در انسان‌ها

مراتب مختلفی دارد، دسته‌ای به اصل

روزی‌رساندن از طرف خدا بدگمانند،

گروهی به مقدار و اندازه روزی و

برخی به زمان روزی و در نهایت برخی

به نوع روزی‌رساندن از طرف خدا

که هر کدام تعریف و تفصیل جدایی

می‌طلبند

بخشی از دغدغه پدر و مادرها به خاطر وضعیت و فشار مالی فعلی نیست، بلکه آن‌ها از آینده فرزندان خود نگرانند و سعی می‌کنند به هر شکلی که شده تا وقتی که زنده هستند، تمام نیازمندی‌های آینده

بدون شک مشکل اقتصادی یکی از بزرگترین بهانه‌ها در بی‌ربوبی خانواده‌ها برای بچه‌دار شدن است. اما باید پرسید کدام مشکل اقتصادی و کدام بُعد اقتصادی؟

این مقاله قصد ندارد به صورت سلیبی با این موضوع برخورد کند تا به خواننده القا کند که مشکل اقتصادی وجود ندارد. خیر، اتفاقاً مشکل اقتصادی وجود دارد ولی باید دید این مشکل از کجا نشأت گرفته و آیا نقش آن در عدم تکثیر نسل جایگاهی دارد یا خیر؟

اسلام نقشه مالی صحیح برای مدیریت خانواده را در پیش روی ما قرار داده است که بخشی از آن بر عهده حکومت اسلامی است و بخشی فردی و اجتماعی است.

در نظام اسلامی، این وظیفه حکومت است که سیاست‌های کلان جامعه را به سمت و سویی سوق دهد تا مردم با بن‌بست اقتصادی مواجه نشوند. تغییر نگرش، جهت‌دهی نیازمندی‌ها و اجرای عدالت از جمله وظایفی است که دولت اسلامی باید به آن پایبند باشد. اما این‌ها دلیل منطقی برای کاهش نسل نیست؛ چرا که ضرورت تشکیل خانواده سالم و پویا را حکومت برعهده ندارد و این امری فردی است. تنها وظیفه‌ای که برعهده دولت است نقش حمایتی و جهت‌دهی است.

اما وظیفه اصلی بر عهده افراد است. اجرای



سرمایه مالی یا فرزندان

اگر ما نتوانیم به دو سوال قبلی پاسخ بدهیم، نتیجه آن خواهد شد که زن نه به عنوان شایستگی در انجام کار اقتصادی خاصی در جامعه، بلکه به عنوان ضرورت و جبران کمبود مالی تصمیم می‌گیرد وارد بازار کار و سرمایه شود تا از این طریق کمبودهای مالی زندگی را جبران کند. قابل انکار نیست، بخش قابل توجهی از خانواده‌هایی که میل به بچه‌دار شدن و یا فرزند بیشتر ندارند، خانواده‌هایی هستند که مادر، شغل تمام‌وقت اجتماعی دارد. در حالی که او می‌تواند با اصلاح سبک زندگی و توجه به دستورات اسلامی و قناعت، زندگی آرامی را با همان درآمد همسرش رقم بزند تا در آینده، فرزندان سرمایه تمام‌نشینی آنان شوند. فرزندی که مستقیماً در دست و دامن مادر تربیت یافته، نه در مهد کودک‌ها!

خداوند روزی‌رسان است

قرآن می‌داند که علت اساسی عدم انگیزه مردم برای ازدواج کردن و بچه‌دار شدن و در نتیجه کاهش نسل، به خاطر ترس از فقر و تنگدستی است. به خاطر همین مردم را دل‌داری می‌دهد و سعی دارد تا به آن‌ها تفهیم کند که رزق و روزی دست خداست و اوست که همه را بی‌نیاز می‌کند. به همین دلیل در تشویق کسانی که تن به ازدواج نمی‌دهند و یا حتی پدر و مادران و کسانی که جوانان را از ازدواج کردن، نهی می‌کنند می‌فرماید: «از فقر و تنگ‌دستی جوانان و مجربان نگران نباشید و در ازدواج آنها بکوشید چرا که اگر فقیر باشند، خداوند از فضل خویش، آنان را بی‌نیاز می‌سازد». «و انكحوا الايامی منكم و الصالحین من عبادكم و اماتكم ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله...» اگرچه منطوق این آیه برای ازدواج کردن است ولی مفهومش وسیع است و شامل همه شئونات زندگی به ویژه تکثیر نسل می‌شود.

قرآن برای توجیه انسان‌ها و برای رفع این سوءظن دایره رزق و روزی را وسیع‌تر معرفی می‌کند که نه تنها انسان‌ها بلکه رزق و روزی همه موجودات روی زمین دست اوست. «ما مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يُعْلَمُ مُسْتَقَرُّهَا وَ مُسْتَوْذَعُهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِینٍ» هود/۶

اگرچه بعضی از مفسرین بزرگ مثل فخر رازی معتقد هستند این آیه جزء وعده‌های خداوند نیست. که بعد اگر چنانچه محقق نشد بگوییم خداوند العیاذ بالله خلف وعده کرده است؛ چرا که به دست آوردن روزی مراتبی دارد که اگر انسان به سمت آن حرکت کند و در کنارش توکل خود را به خدا تقویت کند، همه این مشکلات برطرف خواهد شد. در واقع قرآن برای تقویت امید و در نتیجه تلاش انسان‌ها برای کسب روزی، تصویر عینی را نشان می‌دهد که آیا نمی‌بینید همه موجودات و انسان‌ها از طرف ما روزی می‌خورند و تا خدا نخواهد لقمه‌ای از گلولی کسی پایین نمی‌رود؟

چرا انسان‌ها به خداوند بدگمانند؟

حال که خداوند این‌گونه بیان کرده و اطمینان داده که رزق و روزی همه موجودات را فراهم می‌کند و نمونه روشنی از آن را به ما نشان می‌دهد، چرا باز باور نداریم و به مرز یقین نمی‌رسیم؟

از همین آیه قرآنی که ذکر شد و سایر روایات کاملاً روشن می‌شود که انسان‌ها نسبت به روزی‌رساندن خدا بدگمانند؛ بدگمانی که در انسان‌ها مراتب مختلفی دارد، دسته‌ای به اصل روزی‌رساندن از طرف خدا بدگمانند، گروهی به مقدار و اندازه روزی و برخی به زمان روزی و در نهایت برخی به نوع روزی رسیدن از طرف خدا که هر کدام تعریف و

از اینکه از نظر دین اسلام پدر و مادر

هیچ وظیفه‌ی شرعی نسبت به تأمین

مالی آینده فرزندان خود ندارند و

در واقع به تعبیری یکی از بزرگان،

نقشی را که پدر و مادر ایفا می‌کنند،

گام‌ستودق نسل آینده‌شان است.

باید دلیل آن را در رفتار خودمان جستجو و پیدا کنیم.

عدم درک قدرت خداوند به خاطر مادی‌گرایی ما انسان‌هاست، وقتی می‌خواهیم همه چیز را با قدرت و اختیار و خواسته‌های محدود خود مقایسه کنیم، نتیجه این می‌شود که نمی‌توانیم باور کنیم خداوند روزی‌رسان ما انسان‌هاست. این ویژگی در تمام شئونات رفتاری ما آدم‌ها وجود دارد. مثل انسانی که صفت بخشیدن در او خیلی ضعیف است، این گونه افراد، امیدشان به بخشش خداوند نیز ضعیف است. به عنوان نمونه در این حدیث پیامبر خدا(ص) که فرمودند: «خَصْلَتَانِ لَا تَجْتَمِعَانِ فِي مُؤْمِنٍ الْيَخْلُ وَ سُوءُ الظَّنِّ بِالرِّزْقِ» بحار الانوار جلد ۷۴، صفحه ۱۷۴ رابطه یخل و سوء ظن به رزق به وضوح دیده می‌شود.

پیامبر اسلام (ص) در این حدیث می‌فرمایند: «دو خصلت است که در مومن جمع نمی‌شود، یخل، یخل و سوءظن به رزق از طرف خدا.»



رابطه یخل و سوءظن به رزق

اندیشمندان اسلامی یخل را اینگونه معنی می‌کنند: امساک کردن و خودداری نمودن از بذل و بخشش چیزی در جایی که بر حسب دستور شرع یا عرف و عادت مردم باید بذل شود. به بیان روشن‌تر: یخل کسی است که حاضر نیست از مال، علم و سایر نعمت‌هایی که خدا به او عطا کرده، در جایی که عقل و شرع آن را مطلوب می‌داند، اتفاق کند و دیگران را از آن نعمت بهره‌مند سازد.

و چون این صفت در مراتب مختلف در بین انسان‌ها کمابیش وجود دارد، نسبت به خداوند سبحانه نیز چنین فکر ناپسندی می‌کنند. یعنی خداوند نیز (العیاذ بالله) از دادن نعمت روزی به بندگان یخل می‌ورزد، در حالی که او اجودالاجودین است.

حافظ! قلم شاه جهان مقسم رزق است

از بهر معیشت مکن اندیشه باطل

عدم درک قدرت خداوند به خاطر

مادی‌گرایی ما انسان‌هاست، وقتی

می‌خواهیم همه چیز را با قدرت و

اختیار و خواسته‌های محدود خود

مقایسه کنیم، نتیجه این می‌شود

که نمی‌توانیم باور کنیم خداوند

روزی‌رسان ما انسان‌هاست

تفصیل جدایی می‌طلبید، ولی به طور کلی خداوند می‌خواهد با نشانه‌ها و آیات خود این بدگمانی را از بندگان بزداید.

اگر بگوییم مهم‌ترین علت این بدگمانی، ضعف ایمان و عدم توکل ما آدم‌هاست، گراف نگفته‌ایم. اما اگر بخواهیم به این سخن، کمی عینیت ببخشیم،